



شماره ثبت: ۲۷۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

|                                                   |   |
|---------------------------------------------------|---|
| کذب.....                                          | ۲ |
| مرور گذشته.....                                   | ۲ |
| مطلب یازدهم: تفاوت معنا در بین مخاطب و متکلم..... | ۲ |
| بررسی احتمالات.....                               | ۳ |
| مطلب دوازدهم: تأثیر تعدد مخاطب در حرمت.....       | ۳ |
| احتمالات.....                                     | ۳ |



## کذب

### مرور گذشته

مطلب نهم، حضور مخاطب و یا فهم مخاطب بود که عرض مطالبی را عرض کردیم. در این مورد ادله انصراف داشت در جایی که مخاطب حضور و یا فهم نداشته باشد.

مطلب دهم در این مورد بود که مخاطب، اعتماد به کذب نکند، در این صورت باز حرمت کذب باقی بود.

تفاوت این دو مسئله به خاطر انصراف و عدم انصراف است.

### مطلب یازدهم: تفاوت معنا در بین مخاطب و متکلم

این مطلب تکمله مطلب نهم است ولی چون ارزش استقلال را دارد به عنوان مطلب یازدهم قرار می‌دهیم. وقتی گوینده، کلام کذبی را می‌گوید، در این کلام تمام شرایط حاضر است (سخن خلاف واقع است، با اراده و قصد جد این کار را انجام می‌دهد، کلمات را مخاطب می‌شنود) اما معنایی که مخاطب می‌فهمد، غیر از اراده‌ی گوینده است. این به عکس توریه است. در توریه، متکلم به شکلی بیان می‌کند که مخاطب خلاف واقع فهم می‌کند. اما در اینجا گوینده و متکلم اراده خبری مخالف واقع را می‌کند، اما مخاطب و مستمع آن را مطابق با واقعیت تلقی می‌کند.

همان مثال من بینه فی بینه را در نظر بگیرید، مراد در اینجا امیرالمؤمنین بود. اما مخاطب خلیفه اول را می‌فهمد. اما اگر این را به عکس کنیم. کسی که من بینه فی بینه را می‌گوید، منظور خلیفه اول است، ولی مخاطب در شرایطی قرار گرفته است که حضرت امیرالمؤمنین (ع) را استفاده می‌کند.

مخاطب در اینجا، به شکل و شرایطی، جمله را طوری معنا می‌کند که خبر صدق از آن استخراج می‌شود.

مثلاً شخصی دروغ می‌گوید که شیر آمد. اما شخص مخاطب به شکل دیگری استدلال می‌کند و فکر می‌کند مرد شجاعی آمد.

اکنون به بررسی این مطلب می‌رسیم که آیا این در اطلاعات کذب است یا خیر؟



## بررسی احتمالات

در اینجا احتمالاتی وجود دارد:

۱. دو شرط را دارد، کذب مخبری است و اراده اخبار غیر واقع نیز وجود دارد. در نتیجه اطلاعات این را شامل می‌شود.
۲. احتمال دوم این است که شبیه استدلالی که در امر نهم بیان کردیم، در اینجا همان سخن را عرض کنیم. ادله از این انصراف دارد. زیرا در امر نهم بیان کردیم که ادله حرمت انصراف دارد به جایی که کسی این برداشت و فهم غیر واقع را از دلیل داشته باشد. وقتی این برداشت را نداشته باشد، حکم کذب در اینجا نیست و انصراف دارد. در اینجا باید بگوییم کسی که کذب را می‌شنود باید برداشت خلاف واقع از این امر داشته باشد. وگرنه صرف فهمیدن معنا، مهم نیست. در اینجا به صورت قاطع نمی‌توانیم بگوییم حرمت وجود ندارد ولی احتمال انصراف وجود دارد.

## مطلب دوازدهم: تأثیر تعدد مخاطب در حرمت

سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که تعدد مخاطب و مستمع در موضوعیت حکم، اثر می‌گذارد؟ یا اینکه باعث تعدد حرمت می‌شود؟ در باب غیبت، استهزا و تهمت نیز این مسئله مطرح بود.

## احتمالات

یک احتمال این است که قوام کذب به حالت مخبری داعی جد گرفتیم. اینکه چه کسی و کسانی می‌شنوند، دخیل به حرمت کذب نمی‌دانیم. در نتیجه تعدد مخاطب، دخیلی به تعدد حرمت ندارد. اگر ما قوام کذب را به شرایط متکلم انحصار کردیم، تعداد مخاطب تأثیری در حکم ندارد.

احتمال دوم این است که بر مبنایی که ما در امر نهم بیان کردیم می‌گوییم با توجه به انصراف، حرمت کذب، متقوم به دو عنصر است:

۱. اراده جدی اخبار غیر واقع از ناحیه متکلم

۲. شنونده و فهمنده‌ای وجود داشته باشد.



## شماره ثبت: ۲۷۲۶

اکنون که شرط دوم را گذاشتیم، حضور مخاطب، شرط است. به این ترتیب نقشی برای مخاطب متصور می‌شویم. وقتی مخاطب نقشی داشته باشد، می‌توانیم قائل بشویم که به تعدد هر شنونده، یک کذب صورت می‌گیرد.

اشکالی که به این احتمال می‌شود گرفت این است که همین که فهمی در کار باشد، کذب می‌شود. صرف الوجود شرط است، تعدد وجود شرط نیست. همین که کسی می‌شنود، حرام می‌شود.

البته ما اگر قائل به شرط شنونده بشویم، تعدد شنونده باعث تعدد حرمت می‌شود. در عناوین دیگر، قطعاً تعدد حرمت می‌شود، مثلاً خلاف واقعی که باعث گمراه شدن شخص بشود. اما در کذب بما هو کذب، احتمال تشدد عقاب وجود دارد و این احتمال اظهر است. اگر بگوییم شنیدن هر فردی دخالت در حرمت دارد، تعدد مخاطب، موجب تعدد حرمت می‌شود. اما اگر بگوییم شنیدن دخالت ندارد، یا صرف الوجود شنیدن دخالت دارد، در آن صورت یک حرمت می‌شود.

اگر کسی برای صد نفر جداگانه دروغ واحدی را بگوید، صد گناه انجام داده است، اگر این صد نفر در یک مجلس باشند و دروغ واحدی را بشنوند، عرفاً می‌توانیم بپذیریم که صد گناه انجام داده است.

ما اعتقاد داریم که هر وجود، حرمتی را افاده می‌کند. اگر تردید داشته باشیم باید قدر متیقن را بگیریم. این مباحث به خاطر این است که ما می‌خواهیم از این تردید عبور کنیم.

البته باید بدانیم که حضور شنونده و فهم وی را دخیل در صدق مفهوم نمی‌دانیم بلکه دخیل در حکم می‌دانیم.

با تمام مباحثی که عرض شد، احتمال تعدد حکم، اظهر است.